

تحلیلی معناشناختی از سرزمین مقدس عرفات

اصغر عزیزی پور*

چکیده

عرفات سرزمینی مقدس و از نمادهای پیچیده حج است که در طول تاریخ، انسان‌های بی‌شماری با آن در ارتباط بوده و از معارف بی‌پایانش بهره برده‌اند. این سرزمین مقدس، همواره با فراخواندن انسان‌ها به معارف و شناخت‌های ناب و توحیدی خود، مایه‌ی هدایت و آشنایی آنان با وظایف اصیل و ذاتی‌شان گردیده است. اما از آنجا که معارف و اندیشه‌های عرفات، ژرف و فناپذیر است، بدیهی است که با گذشت زمان و رشد و شکوفایی اندیشه‌ی بشر، پیام‌ها و کارکردهای تازه‌تری می‌یابد. شناخت خود، دیگران (دوستان، همراهان، دشمنان و شیاطین)، جهان طبیعت و ماورا و مهم‌تر از همه، شناخت خداوند متعال، از جمله برجسته‌ترین کارکردها و معارف نمادین این سرزمین مقدس به شمار می‌رود که در کمال و دستیابی حج‌گزاران به قرب الهی، نقشی اساسی دارد که نیازمند تحلیل و بررسی است. نوشتار حاضر با رویکردی ارتباطی، به معناشناسی سرزمین مقدس عرفات، به عنوان یکی از نمادهای پیچیده حج پرداخته و کارکردها و جنبه‌های نمادین آن را به عنوان راهبردی شناختی برجسته کرده است.

واژگان کلیدی: ارتباط، نماد، حج، عرفات

*. دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد ارتباطات گرایش حج و زیارت

azizipour308@yahoo.com

عرفات نام سرزمینی مقدس و یکی از نمادهای پیچیده حج است که با ناله و اشک و آه، پیوند و ارتباطی ناگسستی دارد و برترین معرفت‌ها و شناخت‌ها را برای حج‌گزاران به ارمغان می‌آورد. صحرای عرفات در دامنه کوهی به نام جبل الرحمة در جنوب شرقی مکه واقع شده و حد فاصل آن میان «عُزَّنه»، «ثَوْبَه»، «نَمْرَه» تا «ذی المَجَاز» است و مساحت آن حدود هجده کیلومتر مربع، (جعفریان، بی‌تا، صص ۱۶۰ - ۱۵۹)، به طول تقریبی دوازده کیلومتر و عرض ۶/۵ کیلومتر می‌باشد. (فائلدان، ۱۳۸۶ش، صص ۱۴۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، صص ۴۶۲ - ۴۶۱). این سرزمین تنها موقف حج است که در محدوده حرم قرار ندارد.

بیابان عرفات در ماه ذی حجه شاهد سیل خروشان جمعیتی است که فوج فوج به سوی آن سرازیر می‌شوند و با آن در ارتباط می‌باشند. جمعیت عظیم حجاج از ظهر روز نهم ذی حجه تا غروب آفتاب در صحرای عرفات وقوف کنان به دعا و نیایش می‌پردازند تا پالایش شده، سپس به حریم الهی راه یابند.

وقوف در عرفات، از ارکان اصلی حج است که حج بدون آن معنا ندارد^۱ (عوالی اللثالی، ج ۳، ص ۱۶۲). این وقوف فضایل نمادین ارزشمندی دارد؛ از جمله اینکه سرزمین عرفات پایگاهی برای معرفت و شناسایی پروردگار، کسب اجازه ورود به منطقه حرم، شناختن وظایف حضور در حریم حق، ابراز عشق و محبت درونی و راز و نیاز با خداوند متعال می‌باشد. حج‌گزار به اینجا قدم می‌گذارد تا با گوش دل، سخنان گهربار پیامبر ﷺ را که گویی هنوز هم در آن صحرا طنین‌انداز است، بشنود و آن را نصب‌العین خود قرار دهد. اکنون نوشتار حاضر بر آن است تا ضمن معناشناسی از این سرزمین مقدس، ابعاد ارتباطی و جنبه‌های نمادین آن را برجسته سازد.

فلسفه نامگذاری عرفات

درباره اینکه چرا عرفات بدین نام خوانده شده، احتمالات گوناگونی وجود دارد که هر یک از آنها از برخی ویژگی‌های نمادین این سرزمین حکایت دارد. در ادامه به مهم‌ترین این وجوه اشاره می‌شود:

چون حج‌گزاران در این سرزمین با یکدیگر آشنا می‌شوند، این روز را عرفه، و این سرزمین را عرفات گویند (مبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۵۳۳)؛ چنان‌که آدم و حوای عَلَيْهِمَا السَّلَام نیز پس از

۱. «الحجَّ عَرَفَةٌ».

آنکه به دلیل خطایشان از بهشت رانده شدند و بر زمین فرود آمدند، پس از جدایی‌ای طولانی، در این سرزمین همدیگر را ملاقات کردند و شناختند (حسینی واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۷۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۱؛ میسلی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۵۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۲۶؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۱۹۷-۱۹۶).

عرفات از آن رو به این نام خوانده شده که مردم در آنجا به گناهان خود اعتراف می‌کنند (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۰۴؛ میسلی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۵۳۳). امام صادق علیه السلام در بیانی نشانه‌شناختی پس از ذکر داستان فرود آمدن آدم علیه السلام در عرفات و همراهی جبرئیل با ایشان می‌فرمایند:

«جبرئیل به آدم علیه السلام گفت: «آن‌گاه که خورشید غروب کرد، هفت مرتبه به گناه خود اعتراف کن و هفت مرتبه نیز از خداوند طلب آمرزش و توبه نما». پس آدم علیه السلام چنین کرد. از این رو [آنجا] عرفات نامیده شد؛ زیرا آدم علیه السلام در آنجا به گناه خود اعتراف کرد و برای فرزندان او نیز سنت شد که در این سرزمین به گناهان خود اعتراف کنند و از خداوند آمرزش بخواهند؛ همان‌گونه که آدم علیه السلام چنین کرد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، صص ۱۹۲-۱۹۱).

معاویه بن عمار می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «چرا عرفات بدین نام خوانده شده است؟» فرمودند:

«زیرا جبرئیل روز عرفه همراه ابراهیم علیه السلام بیرون رفت. پس هنگام غروب آفتاب، به ابراهیم علیه السلام گفت: «ای ابراهیم، به گناه خود اعتراف کن و مناسک حجّت را بیاموز». پس به خاطر این سخن، جبرئیل به ابراهیم علیه السلام که گفت «اعتراف کن»، این سرزمین عرفات نامیده شد.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م / ج ۲، ص ۴۳۶).

آن‌گاه که ابراهیم علیه السلام از خدا خواست تا مناسک حج را به وی بیاموزد (بقره: ۱۲۸)، جبرئیل علیه السلام، که مأمور تعلیم مناسک به ابراهیم علیه السلام بود، هنگام حضور در سرزمین عرفات به آن

۱. اعتراف به گناه با عصمت انبیا منافات دارد؛ از این رو ممکن است منظور از «اعترف بذنبك»، اعتراف به گناه امت خویش باشد؛ چنان‌که در تفسیر آیه دوم از سوره فتح ﴿لِيَعْرِفَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَلَّمْ مِنْ ذُنُوبِكَ﴾ گفته‌اند: منظور از «ذُنُوبِكَ» گناه امت پیامبر صلی الله علیه و آله (مشرکین که پیامبر صلی الله علیه و آله را از مکه خارج کردند) است (مجمع البحرین، ج ۲، ص ۵۹؛ المیزان، ج ۱۸، ص ۲۵۵).

حضرت گفت: «اینجا عرفات است، پس در آن مناسک خود را بشناس و به گناهت اعتراف کن». بنابراین این سرزمین عرفات نامیده شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۰۷).

در روایتی دیگر آمده است:

«چون جبرئیل علیه السلام مناسک حج را به ابراهیم علیه السلام آموخت و او را به عرفه آگاه ساخت، به وی گفت: «آیا مناسک را شناختی؟» ابراهیم علیه السلام در پاسخ فرمود: «آری، شناختم». پس این سرزمین عرفات نامیده شد. (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۰۴).

ابراهیم علیه السلام قبل از روز نهم ذی حجه خواب دید که فرزندش اسماعیل علیه السلام را ذبح می کند. وقتی از خواب بیدار شد، به فکر فرو رفت که آیا این رؤیا دستور الهی است یا نه؟ این رؤیا در شب نهم ذی حجه نیز برای آن حضرت تکرار شد. از این رو بر آن حضرت مسلم شد که باید فرزندش اسماعیل علیه السلام را ذبح کند. چون این معرفت و آشنایی با وظیفه در روز نهم و در سرزمین عرفات حاصل شد، آن روز را عرفه، و آن سرزمین را عرفات می گویند (سیوطی، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م، ج ۷، ص ۱۱۱؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ص ۵۳۲ - ۵۳۳).

«عَرَف» که «أعراف» جمع آن است، به معنای سرزمین مرتفع و بلند است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۴۱؛ حسینی واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۷۸) و با عنایت به معنای آن (ارتفاع و بلندی) که سبب تمییز و اشراف نسبت به دیگر سرزمین ها می شود، آگاهی، عرفان و معرفت نیز معنا می شود. «أعراف» نیز به مقامات عالی و روحانی گفته می شود که بهشت و جهنم آن را احاطه کرده است. اما جالب توجه اینکه «عرفات» سرزمینی مرتفع نیست؛ بلکه دشتی هموار است که رشته کوه های بلندی آن را در بر گرفته است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، صص ۹۹ - ۹۸). بنابراین «عرفات» از آن جهت بدین نام خوانده شده که دارای رفعت و بلندی معنوی است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۲۶) و اشرافی معنوی بر سایر سرزمین ها دارد، که سبب منزلت و مقام معنوی آن و برتری اش بر دیگر سرزمین ها شده است.

به بوی خوش از آن جهت که به جان آدمی آرامش و سکون می بخشد، «عَرَف» می گویند (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۹۷) و واژه معرفت نیز در اصل به معنای آرامش و سکون است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۶۶). بنابراین عرفات بدان جهت به این نام خوانده

می‌شود که سرزمین مقدس و با عظمتی است؛ آن‌سان که گویی با بوی خوش، عطر آگین شده است (حسینی واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۷۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص ۲۸۲) و با معرفت‌هایی که در آن کسب می‌شود، موجب آرامش و سکون انسان می‌گردد.

چون «عِرف» به معنای صبر و بردباری است و حاجیان با صبر و بردباری برای رسیدن به عرفات و وقوف در آن، رنج و زحمتی فراوان متحمل می‌شوند (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۰۴) و از آنجا که صبوری، آرامش و اطمینان از آثار معرفت است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۹۹) و در وقوف کنندگان در عرفات آشکار می‌شود، بدین روی این سرزمین، عرفات نامیده می‌شود.

عرفات را از آن‌رو عرفات گویند که در آنجا بندگان به وسیله عبادات و دعاها به خداوند متعال معرفت و شناخت کسب می‌کنند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۱). معرفت خداوند از مهم‌ترین معرفت‌ها در سرزمین عرفات است؛ چرا که این سرزمین، محیط بسیار آماده‌ای برای معرفت پروردگار است. در آنجا از نسیمش، صدای زمزمه جبرئیل و آهنگ مردانه ابراهیم خلیل و طنین حیات‌بخش صدای پیامبر اسلام ﷺ و مجاهدان صدر اسلام شنیده می‌شود. در این سرزمین خاطره‌انگیز که گویا دریچه‌ای به جهان ماورای طبیعت است، انسان‌ها با جذبه روحانی و معنوی وصف‌ناشدنی‌ای، همه یک‌شکل و یک‌رنگ و به دور از هیاهو و زرق و برق دنیای مادی، با تأمل و درنگ در این موقف و دعا و مناجات با خداوند، از نشئه عرفان و معرفت پروردگار سرمست می‌شوند و با زمزمه تسبیح خلقت هماهنگ می‌گردند.

از میان وجوه مطرح‌شده برای نامگذاری عرفات، دو وجه، اهمیت خاصی داشته، تجلی واضح و روشن‌تری دارند: یکی اعتراف به گناه و دیگری معرفت و شناخت. البته اعتراف هم به معرفت باز می‌گردد؛ زیرا اعتراف بدون به گناهان، معرفت ممکن نیست. پس نام عرفات در واقع به معرفت اشاره دارد و عرفات چیزی جز معرفت و شناخت نیست و معرفت خداوند اساسی‌ترین شناخت‌هاست؛ زیرا در واقع همه معارف و شناخت‌هایی که در سرزمین عرفات صورت می‌گیرد، به نوعی برای دست یافتن به شناخت خداوند متعال است.

عرفات در قابی نمادین

عرفات که یکی از نمادهای پیچیده حج است، خود بر مجموعه‌ای از نمادها مبتنی است که شناخت و فهم آنها نیازمند شرح و واکاوی است. در ذیل به رمزگشایی از این نمادها پرداخته می‌شود:

۱. سرزمین معرفت و شناخت

وقوف در عرفات، نماد معرفت و شناخت است؛ شناخت خود، دیگران (دوستان، همراهان، دشمنان) و مهم‌تر از همه، شناخت خداوند متعال؛ چه اینکه شناخت خود، دوستان و دشمنان (شیطان) نیز با انگیزه شناخت و معرفت خداوند سبحان است.

عرفات اسم مفردی است که در لفظ جمع آمده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۴۰۱؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۹۹؛ حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۰۴). از این رو معرفت‌های گوناگونی در آن تحقق می‌یابد. در همین سرزمین بود که ابراهیم خلیل علیه السلام، شیطان و وسوسه‌های او را به خوبی شناخت و با معارف و آگاهی‌هایی که درباره ترفندهای شیطان کسب کرد، در منا او را با سنگ از پیرامون خویش طرد کرد تا مبادا مانعی در ایفای وظیفه الهی او پدید آورد. آدم علیه السلام نیز انیس خود، حوّا را در اینجا شناخت و در همین سرزمین بود که گناه و ترک اولای خود پی برد و به آن اعتراف کرد. امام حسین علیه السلام نیز که در این نقطه درنگی بسیار عمیق و شگرف داشت، با دعایی که در میان خاندان و یاران زمزمه کرد، خداوند متعال را از رهگذر این دعا به خوبی شناساند.

حاجی نباید وقوف در عرفات را رکودی در مراسم حج تلقی کند؛ بلکه باید به ارتباط با خویش پردازد و در خود تفکر و اندیشه کند و شناختی بهتر از گذشته درباره خویش کسب نماید؛ باید در این پایگاه به ارتباط با خدا پردازد و همواره خدا را یاد کند تا خداوند نیز او را از یاد نبرد و به مدد یاد خدا، خویش را بازشناسد. بنابراین، چنین وقوفی سرشار از پویایی در تفکر و اندیشه است. از طریق این وقوف است که انسان‌ها می‌توانند گام‌هایی بلند و سریع به سوی خداوند متعال بردارند و او را بشناسند و درباره دوستان و همراهان و دشمنان خود نیز معرفتی اساسی کسب کنند.

از دیدگاه جامعه‌شناختی نیز این سرزمین و وقوف در آن، سمبل این است که مسلمانان دور افتاده از یکدیگر در این کانون تجمع، همچون آدم و حوّا علیهم‌السلام به معرفت و شناخت یکدیگر نائل آیند و از این رهگذر، به انسجام و همبستگی دست یابند. مسلمانان باید با وقوف در این سرزمین و آگاهی از حال یکدیگر، اختلافات و پراکندگی‌های خود را به اتحاد و همبستگی مبدل سازند و بدین ترتیب به حل و فصل مسائل و مشکلات جهان اسلام بپردازند.

آری، اینجا سرزمین شناخت است؛ اما نه شناخت آدم و حوّا؛ بلکه آشنایی با خود. حج گزار باید خود را بشناسد و وقوف در این سرزمین برای واقف شدن انسان بر نفس خویش است و سکوت عرفات زمینه‌ساز چنین تفکر و شناختی است. سکوت عرفات یعنی آرامش برای شدن و ماندن. عروج کردن و پرواز را فرا گرفتن! در پس پرده این سکوت فریادی نهفته است که تاریخ را به چالش می‌کشانند؛ ای انسان! ای گمشده در دالان‌های تاریک! به خود آی! خویشتن را بازجوی! و بدان که از کجا آمده‌ای و به کجا خواهی رفت؟

روزها فکر من این است و همه شب سختم
 که چرا غافل از احوال دل خویشتم
 ز کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود
 به کجا می‌روم آخر، نمایی وطنم^۱

حاجی باید بداند که به این سرزمین فراخوانده شده تا پرونده خویش را بازخوانی کند و در آن تفکر نماید و در محضر ربوبی، زبان به اقرار گشاید و جان خویش را به خلعت وحدانیت مزین نماید و با حضرت حق پیمان ببندد تا مظهر اوصاف الهی شود و رنگ و صبغه الهی به خود گیرد. امام صادق علیه‌السلام همسو با این اراده مقدس می‌فرماید:

«وَ اعْتَرَفَ بِالْخَطَايَا بِعَرَفَاتٍ وَ جَدَّدَ عَهْدَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَ تَقَرَّبَ إِلَيْهِ» (جعفر بن محمد علیه‌السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸).

«در عرفات، در باره گناهان و لغزش‌های خود زبان به اعتراف بگشا و با خداوند متعال بر وحدانیت و یگانگی او تجدید پیمان کن و به سوی او تقرّب بجوی.»

۱. مولوی، ۱۳۳۵ش، ص ۲۵۶

در واقع عرفات چیزی جز اعتراف و معرفت نیست. معرفت به حاجی بصیرت می‌دهد؛ بصیرتی که با آن می‌توان راه را از بیراهه تشخیص داد و از هرگونه سرگردانی، تزلزل و حیرت نجات یافت (عبدالرزاق القاسانی، ۱۳۷۲ ش، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۳۶). از آنجا که معرفت در اصل به معنای شناخت و پی بردن به هر چیزی است که موجب اطمینان انسان می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۹، ص ۲۳۹) و صبر، آرامش و اطمینان، نتیجه و اثر معرفت است (مصطفوی، ۱۴۰۲ ق، ج ۸، ص ۹۹)، می‌توان گفت که عرفات سرزمین شناخت، از جمله شناخت منشأ گناهان و اعتراف به آنها، و جایگاه پی بردن به خواص نعمت‌های دنیوی و اخروی و پرهیز از گزینش نابجای آنها برای دستیابی به اطمینان و آرامش قلبی است؛ چرا که اعتراف بدون معرفت ممکن نیست و توبه از گناه، بدون درک خواص نعمت‌ها و دوری از استفاده نابجا از آنها حاصل نمی‌شود.

نتیجه عدم شناخت نعمت‌ها و خواص آنها، چیزی جز ناآرامی و تسکین‌پنداری نیست؛ چنان‌که آدم علیه السلام با نزدیک شدن به شجره منهبه و استفاده نابجا از آن، به تسکین‌پنداری خویش پرداخت و از بهشت رانده شد تا اینکه در عرفات به خطای خود پی برد و با اعتراف به آن، توبه کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، صص ۱۹۱ - ۱۹۰). به همین دلیل خداوند متعال عرفات را محل شناخت علت گناه و اعتراف به آن قرار داد و به جبرئیل دستور داد تا ضمن تعلیم مناسک حج به آدم علیه السلام، به او امر کند که در آن سرزمین به گناه خود اعتراف نماید. امام صادق علیه السلام در تعبیری نمادین می‌فرماید:

«فَجَعَلَ ذَلِكَ سُنَّةً فِي وُلْدِهِ يَعْتَرِفُونَ بِذُنُوبِهِمْ كَمَا اعْتَرَفَ أَبُوهُمْ وَ يَسْأَلُونَ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ -

التَّوْبَةَ كَمَا سَأَلَهَا أَبُوهُمْ آدَمَ» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م، ج ۲، ص ۴۰۰).

«اعتراف به گناه در عرفات، در میان بنی آدم سنت شد تا همانند پدرشان آدم علیه السلام به گناهان خویش اعتراف کنند و از خداوند - عزوجل - طلب بخشش و توبه نمایند؛ همان‌طور که پدرشان آدم علیه السلام چنین کرد.

عرفات محل معرفت نفس و خودشناسی است و شناخت منشأ گناهان و اعتراف به آنها و پی بردن به خواص نعمت‌های دنیوی و اخروی در این سرزمین مقدس، همگی به منظور تحقق یافتن معرفت نفس و ارتباط با خویشتن است. اما باید دانست که در حقیقت معرفت نفس،

زمزمه «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (جعفر بن محمد عليه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۲) است؛ یعنی حاجی با کسب معرفت و شناخت خود در عرفات، قلب خویش را برای پذیرش معارف الهی مهیا می‌سازد و با قیام به بندگی و پیوند خوردن به جذبه‌های الهی، به قرب خداوند نائل می‌شود؛ به تعبیری دیگر خودشناسی همان خداشناسی، و ارتباط با خود، همان ارتباط با خداست؛ بدین معنا که اگر حاجی به معرفت و شناخت خویش دست یابد، در واقع به معرفت خداوند متعال نائل شده است؛ یعنی معرفت نفس مقدمه معرفت پروردگار نیست؛ بلکه عین آن است.

۲. سرزمین دعا

سرزمین عرفات نماد و تجلیگاه دعا و نیایش و استجاب دعاست؛ همان دعایی که محکم‌ترین ارتباط با خدا،^۱ اعتبار بنده نزد خدا،^۲ مغز عبادت،^۳ اسلحه مؤمن،^۴ دواى دردها،^۵ مقدرکننده سرنوشت‌هاست^۶ و در سعادت و شقاوت انسان‌ها نقشی تعیین‌کننده دارد.^۷ دعا در روز عرفه چنان اهمیت و جایگاه رفیع و والا دارد که گرچه روزه گرفتن در

میقات حج

۱. «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلِعَالَمِهِمْ يَرْشُدُونَ» (بقره: ۱۸۶).
۲. «قُلْ مَا يَعْجَبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» (فرقان: ۷۷).
۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ» (عده الداعی و نجاج الساعی، ص ۲۹).
۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ»؛ (الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸).
۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: «عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ»؛ (الکافی، ج ۲، ص ۴۷۰)؛ «بر تو باد که دعا کنی؛ زیرا شفای هر دردی است».
۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَرُدُّ الْقَضَاءُ إِلَّا الدُّعَاءُ»؛ (الدعوات / سلوة الحزین، ص ۲۱)؛ قضا دفع نمی‌شود مگر با دعا. امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَيَنْقِضُهُ كَمَا يُنْقَضُ السُّلُوكُ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا»؛ (الکافی، ج ۲، ص ۴۹۶) «دعا قضای حتمی را دفع می‌کند و آن را از بین می‌برد؛ مانند از بین رفتن و قطع شدن سیم».
۷. امام سجاده علیه السلام در روز عرفه به شخصی که از مردم درخواست می‌کرد فرمودند: «وَيَحْتَكَ أَعْيَرَ اللَّهِ تَسْأَلُ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِنَّهُ لَيَرْجَى لِمَا فِي بَطُونِ الْحَبَالَى فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ يَكُونَ سَعِيدًا»؛ (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۱۱)؛ «وای بر تو! آیا در این روز (روز عرفه که روز دعاست) از غیر خدا تقاضا می‌کنی؟ در حالی که امید است در این روز نوزادان در شکم زن‌های حامله سعادت‌مند شوند!».

این روز مستحب است، اما اگر موجب ضعف و بی‌نشاطی حج گزار شود، به گونه‌ای که نتواند از رهگذر دعا با معبود خویش ارتباط برقرار کند و به مناجات پردازد، دعا و مناجات بر روزه مقدم می‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸۸). نه تنها در روز عرفه دعا بر روزه برتری دارد، بلکه رحمت و مغفرت در عرفات به حدی است که با ماه مبارک رمضان که ماه رحمت و مغفرت است، برابری می‌کند؛ چنان که اگر کسی در ماه رمضان آمرزیده نشود، تا رمضان سال آینده بخشوده نخواهد شد؛ مگر اینکه در عرفات حاضر شود: «مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۶).

حاجی قبل از آنکه راهی عرفات شود، با کعبه ارتباط برقرار می‌کند و در بیعتی بزرگ با خداوند، جان، اعضا، قلب و قالب خویش را به حضرت حق واگذار می‌کند و می‌فروشد؛ تا آنجا که حتی چشم و گوش حج گزار هم از آن خداوند می‌شود. او در بیعتش با پروردگار، همه چیز خود را می‌دهد و تنها مالک دعا می‌شود: «لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ» (مفاتیح الجنان، دعای کمیل). او نه تنها مالک مال نیست، بلکه اعضا و جوارحش نیز امانت خداست.^۱ از این رو، آن گاه که قدم به عرفات می‌گذارد، فقط می‌تواند اظهار عجز و تضرع کند و در برابر دشمن درون، سلاحی جز ناله و اشک ندارد: «وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ» (مفاتیح الجنان، دعای کمیل) و این یعنی عرفات، تجلیگاه دعا و نیایش است.

اگر حاجی می‌خواهد فردای عرفه در سرزمین منا شیطان بیرون را با سنگ رمی کند، قبل از آن باید شیطان درون را با سلاح گریه و اشک رام کرده باشد؛ چرا که شیطان درون منشأ همه شیطنت‌هاست و تنها در صورتی می‌توان در برابر او پیروز شد که به سلاحی متناسب و قوی مسلح بود و آن سلاح چیزی جز توبه و انابه در برابر خداوند متعال نیست.

سرزمین عرفات پیوندی ناگسستنی با ناله و اشک دارد و با اشک‌های امام حسین علیه السلام هنگام خواندن دعای عرفه، متبرک تر شده است. آن حضرت با درنگی بسیار عمیق و شگرف در این سرزمین، دعایی خوانده است که سنگ‌های جبل‌الرحمه هنوز هم از سوز و گداز آن گریان‌اند. این دعا منشور معرفت نفس، شناخت خدا و ارتباط عاشقانه بنده با خداست.

۱. ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ (یونس: ۳۱).

استجاب دعا در عرفات با وجود اولیای الهی در این سرزمین رابطه دارد. آنجا قدمگاه پیامبران الهی و معصومان علیهم السلام است و به یمن حضور آنان در آن وادی مقدس، دعای حج گزاران مستجاب می گردد. حضور امام زمان علیه السلام نیز هر ساله در موسم حج و در موقف عرفات بر شرافت و جلالت آن افزوده و آنجا را به مهبط فرشتگان مبدل ساخته است و برکات خاص الهی را همواره شامل حال واقفان در آن سرزمین می گرداند. خداوند به برکت دعای آن حضرت به حجاج نظر لطف می کند و آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد. از این رو، وقوف در عرفات به دلیل حضور امام عصر علیه السلام که خود حقیقت و باطن حج است - از ارکان حج به شمار می رود و ترک آن موجب بطلان حج می شود. محمد بن عثمان عمری، از نوآب خاص امام زمان علیه السلام، درباره حضور آن حضرت در موقف عرفات می گوید:

«وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ» (شیخ صدوق ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۲۰).

«به خدا سوگند که صاحب الامر علیه السلام هر سال در موسم [حج] حاضر است، مردم را می بیند و می شناسد و مردم نیز او را می بینند، اما نمی شناسند.»

بنابراین، به دلیل محدودیت زمانی و مکانی وقوف، صالحان و اولیای الهی نیز برای ادای مناسک حج و دعا و راز و نیاز، در جمع یک رنگ حاجیان حاضر می شوند و هیچ گاه حج از آنان خالی نیست. از این رو، دعای حاجیان مستجاب، و همه گناهان آنان آمرزیده می شود. لذا گناه کارترین انسانها از میان حجاجی که در سرزمین عرفات حاضر می شوند، کسی است که از عرفات برگردد و گمان کند که خداوند متعال او را نیامرزیده است: «أَعْظَمُ النَّاسِ جُرْمًا مِنْ أَهْلِ عَرَفَاتِ الَّذِي يَنْصَرِفُ مِنْ عَرَفَاتٍ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَمْ يُعْفَرْ لَهُ» (شیخ صدوق ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۱؛ تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۲۰، با کمی اختلاف در تعبیر).

از آنجا که سرزمین عرفات محور راز و نیاز و مناجات با خدا و استجاب دعاست، اولیای دین نیز آن گاه که قدم در این وادی می گذاشته اند، فرصت را غنیمت می شمردند و ارتباط خود را با خالق هستی مستحکم تر می کرده اند. ابن عباس می گوید:

«رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ بِعَرَفَةَ، وَيَدَاهُ إِلَى صَدْرِهِ يَدْعُو كَأَسْتِطْعَامِ الْمَسْكِينِ» (فاکهی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۲۴).

امام باقر علیه السلام نیز در تعبیری برای نشان دادن اهمیت و ترغیب به دعا و استجاب آن در عرفات می فرماید:

«مَا يَقِفُ أَحَدٌ عَلَى تِلْكَ الْجِبَالِ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ فَأَمَّا الْبَرُّ فَيَسْتَجَابُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَيَسْتَجَابُ لَهُ فِي دُنْيَاهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶۲؛ شیخ صدوق ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۰).

«هیچیک از نیکان و بدان بر کوه‌های عرفات وقوف نمی کند، مگر اینکه خداوند دعای او را به اجابت می‌رساند؛ دعای نیکان در مورد امور دنیا و آخرت مستجاب می‌شود و دعای بدان درباره دنیایشان مستجاب می‌گردد.»

۳. سرزمین قرب

عرفات نمادی از قرب میان بندگان و خداوند است. اما قُرب دو گونه است؛ گاه منظور از قرب، نزدیکی خداوند به انسان‌هاست و گاه تقرب یافتن بندگان به خداوند متعال مراد است. البته باید دانست که قُرب اول علت قرب دوم است. از آنجا که خداوند متعال به آدمیان نزدیک است، بندگان می‌توانند به او تقرب جویند و نزدیک و نزدیکتر شوند. با نگاهی نشانه‌شناختی به آیات قرآن کریم، درمی‌یابیم که قرب خداوند به بندگان مراتبی دارد که پیمودن هر یک از آنها به دعا و مناجات فروغ تازه‌تر و جذبۀ ویژه‌تری خواهد بخشید. از این رو، حج گزار باید در سرزمین عرفات، به مراحل قرب خداوند به بندگان، التفاتی تام و عنایتی ویژه داشته باشد تا بتواند در زمرۀ مقربان واقعی در گاه الهی قرار گیرد. در ادامه به بیان مراتب قرب خداوند به بندگان پرداخته می‌شود:

الف) گاهی قرب الهی آن‌چنان محقق است و خداوند چنان به بندگان نزدیک است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را هم در میان خود و بندگانش در نظر نمی‌گیرد و به‌طور مستقیم به سؤال آنها از پیامبر پاسخ می‌دهد و مسئله نزدیکی خود به بندگان را متذکر می‌شود: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ (بقره: ۱۸۶)؛ «هرگاه بندگانم درباره من از تو پرسیدند، پس من نزدیکم.»

ب) گاهی خداوند خود را از حاضران در کنار بستر محتضر به او نزدیک‌تر می‌داند: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَكِن لَّا تُبْصِرُونَ﴾ (واقعه: ۸۵)؛ «ما از شما به محتضر نزدیک‌تریم؛ اما شما نمی‌بینید.»

ج) گاهی خداوند متعال خود را از شریان خون و رگ حیاتی به انسان نزدیک تر می‌داند: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق: ۱۶)؛ «ما از رگ گردن به انسان نزدیک‌تریم.»

د) گاهی نیز قرب و نزدیکی خداوند به بندگان در نهایت اوج و کمال است و خداوند به انسان از خود او نزدیک‌تر است: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾ (انفال: ۲۴)؛ «و بدانید که خداوند میان آدمی و قلبش حایل است.»

حج گزار راستین کسی است که با اخلاص و دلدادگی، تمام مراحل قرب خداوند به بندگان را یکی پس از دیگری طی کند و به مراتب عالی قرب خداوند نائل شود؛ چنان که امام حسین علیه السلام در صحرای عرفات ضمن دعای عرفه، از مراتب قرب خداوند به بندگان پرده برداشتند و عالی‌ترین مراتب قرب الهی را معرفی کردند.

بنابراین، عرفه؛ یعنی قرب و نزدیکی به خداوند و اهل عرفه، ره یافتگان به قرب الهی‌اند که خداوند دعای آنان را مستجاب و گناهانشان را آمرزیده و توبه‌شان را پذیرفته است. گویا حجاب‌هایی که میان بنده و معبود جدایی انداخته بود، یکی پس از دیگری کنار می‌رود و او با حقیقت دل، خداوند را مشاهده می‌کند و از نسیم رحمت و روح افزای الهی بهره‌مند می‌گردد.

همه سیرهای صعودی برای وصول به قرب الهی از عرفات آغاز می‌شود. از این رو، حاجی که در عمره بیرون از حرم مُحرم می‌شد تا به داخل حرم راه یابد، این بار باید از کنار خانه خدا محرم شود تا در عرفات خدا را بیابد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۵۴). آدم علیه السلام نیز که در زمین و بر کوه صفا هبوط کرد، سیر صعودی‌اش از عرفات آغاز شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، صص ۱۹۴-۱۹۱). حرکت صعودی امام حسین علیه السلام نیز از عرفات آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد. آن حضرت چنان به قرب الهی دست یافت که زیارت او حقیقت عرفات معرفی شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۷۰).

۴. جایگاه بخشش و آمرزش گناهان

عرفات نمادی از عفو و رحمت بیکران الهی است و مهم‌ترین توشه‌ای که حج گزار می‌تواند از این دشت رحمت بگیرد، آمرزش گناهان است. در روز عرفه، حاجیان از

سراسر جهان خود را به این سرزمین می‌رسانند و با دعا و راز و نیاز به درگاه خدای بی‌نیاز، پاکی و طهارت از گناهان را می‌طلبند. عرفات آن چنان با عفو و بخشش عجیب است که ناامیدی از رحمت خداوند در این سرزمین، خود گناهی بزرگ و نابخشودنی است:

«أَعْظَمُ أَهْلِ عَرَفَاتٍ جُرْمًا مَنْ أَنْصَرَفَ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۲۰).

«گناه کارترین مردم از اهل عرفات کسی است که از عرفات برگردد و گمان کند که آمرزیده نشده است.»

در ذیل به بیان روایاتی پرداخته می‌شود که به واکاوی آموزش در سرزمین عرفات پرداخته‌اند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرمایند:

«آنگاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حَجَّةِ الْوَدَاعِ مناسک حج را به جا آوردند، در عرفات وقوف کرده و رو به مردم سه مرتبه فرمودند: «مَرْحَبًا بِوَفْدِ اللَّهِ»؛ «خوش آمدید ای فرستادگان خداوند»؛ کسانی که اگر درخواست کنند، به آنان عطا شود و فردای قیامت در پاداش هر درهم [که برای حج خرج کرده‌اند]، هزار حسنه دریافت دارند. سپس فرمودند: ای مردم، آیا بشارتتان ندهم؟، گفتند: آری، ای پیامبر خدا. حضرت فرمودند: هنگامی که غروب روز عرفه فرا می‌رسد، خداوند در برابر فرشتگان به وقوف کنندگان در عرفات مباحث کرده، می‌فرماید: فرشتگان من! به بندگان و کنیزان من بنگرید که از گوشه و کنار زمین، ژولیده‌موی و غبارآلود به سوی من آمده‌اند. آیا می‌دانید چه می‌خواهند؟ فرشتگان می‌گویند: پروردگارا! آموزش گناهانشان را از شما می‌طلبند. خداوند می‌فرماید: شما (فرشتگان) را گواه می‌گیرم که همانا آنان را آمرزیدم. پس، از مکانی که در آن وقوف کرده‌اید، آمرزیده و پاک باز گردید.» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، صص ۲۹۴ - ۲۹۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«وقتی شامگاه عرفه فرا می‌رسد، خداوند به فرشتگان می‌گوید: بندگان مرا از مرد و زن مشاهده کنید که ژولیده و غبارآلود از هر نقطهٔ دوردستی برای اطاعت و عبادت من اینجا آمده‌اند، در حالی که هنوز رحمت و عذاب من؛ یعنی بهشت و دوزخ را ندیده‌اند. ای فرشتگان من، شما را گواه می‌گیرم که همهٔ آنان؛ چه آنها که در این سرزمین حاضر شده و چه آنان که به این سرزمین نیامده‌اند، همگی را مورد آموزش و مغفرت قرار

دادم. آن گاه پیامبر ﷺ فرمودند: «فَلَمْ يَرَ يَوْمًا أَكْثَرَ عِتْقَاءَ مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ وَ لَيْلَتِهَا»؛ هیچ زمانی غیر از روز عرفه و شام آن، این اندازه انسان‌های آمرزیده و آزاد شده از آتش دوزخ دیده نشده‌اند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۲).

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ لَا تُغْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ»؛ (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۹۴؛ محمد بن اشعث، بی تا، ص ۶۵)؛ «برخی از گناهان بخشوده نمی‌شود مگر در عرفات».

امام صادق علیه السلام در تعبیری لطیف فرموده‌اند:

«الْحَاجُّ حُمْلَانُهُ وَ ضَمَانُهُ عَلَى اللَّهِ فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَ كَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَيْنِ يَحْفَظَانِ طَوَافَهُ وَ صَلَاتَهُ وَ سَعِيَّهُ وَ إِذَا كَانَ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ ضَرَبَا عَلَى مَنْكِبَيْهِ الْأَيْمَنِ وَ يَقُولَانِ لَهُ يَا هَذَا أَمَّا مَا مَضَى فَقَدْ كُفَيْتَهُ فَانظُرْ كَيْفَ تَكُونُ فِيهَا تَسْتَقْبِلُ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۱).

«کفالت و ضمانت حاجی بر خداوند متعال است. بنابراین آن گاه که وارد مسجد الحرام می‌شود، خداوند دو فرشته را با او همراه می‌سازد تا طواف، نماز و سعی او را حفظ کنند و آن گاه که شام عرفه فرامی‌رسد، بر شانه راست او زده، می‌گویند: گناهان گذشته تو آمرزیده شد. بین در آینده چه می‌کنی».

محمد بن قیس به نقل از امام باقر علیه السلام می‌گوید:

«إِذَا وَقَفْتَ بِعَرَفَاتٍ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ فَإِنْ كَانَ عَلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ أَوْ بَعْدَ نُجُومِ السَّمَاءِ أَوْ قَطَرِ الْمَطْرِ لَغَفَرَهَا اللَّهُ لَكَ» (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰).

«آن گاه که تا غروب خورشید در عرفات وقوف کردی، اگر گناهانت به اندازه شن‌های شنزار یا ستارگان آسمان یا قطرات باران باشد، خداوند حتماً آنها را خواهد بخشید.»

باید توجه داشت که گرچه عرفات تجلیگاه بخشش و آمرزش گناهان است، اما شرط بهره‌مندی از عفو و بخشش الهی در این سرزمین، پینش و اعتقاد راسخ به ولایت اهل بیت علیهم السلام است که خود از مهم‌ترین عوامل بازدارندگی از گناه و معصیت و از قوی‌ترین اسباب ارتباط با خداوند متعال است. امام رضا علیه السلام در بیانی نورانی به این نکته مهم و ظریف اشاره کرده و فرموده‌اند:

«أَنَّهُ لَا يَقِفُ أَحَدٌ مِنْ مُوَافِقٍ أَوْ مُخَالَفٍ فِي الْمَوْقِفِ إِلَّا غُفِرَ لَهُ فَقِيلَ لَهُ لِمَ لَمْ يَلِمْ إِنَّهُ يَقِفُهُ الشَّارِي وَ النَّاصِبُ وَ غَيْرُهُمَا فَقَالَ يَغْفِرُ لِلْجَمِيعِ حَتَّىٰ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَوْ لَمْ يُعَاوِدْ إِلَىٰ مَا كَانَ عَلَيْهِ مَا وَجَدَ شَيْئًا مِمَّا تَقَدَّمَ وَ كُلُّهُمْ مُعَاوِدٌ قَبْلَ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَوْقِفِ» (علی بن موسی علیه السلام،

۱۴۰۶ق، ص ۲۱۴).

میقات حج

«هیچ کس از معتقدان [به ولایت و امامت] یا منکران [ولایت و امامت]، در موقف عرفات حاضر نمی‌شود، مگر اینکه بخشوده می‌شود. از آن حضرت سؤال شد: برخی خوارج و دشمنان نیز در این موقف حاضر می‌شوند؟ فرمودند: «همگی بخشوده می‌شوند تا جایی که اگر هر یک از آنها [از بینش باطل خود توبه کند و] به اعتقاد گذشته‌اش برگردد، گناهی از قبل بر او باقی نمی‌ماند. اما قبل از خارج شدن از عرفات، به همان اعتقاد شومی که داشته‌اند، باز می‌گردند.»

بنابراین، اگر حج گزاران پس از وقوف در موقف عرفات، بینش و اعتقاد نادرست خویش را که از بزرگ‌ترین موانع ارتباط با خداوند متعال است، اصلاح نکنند و به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام تمسک نجویند، از پاداش‌ها و ثمرات تربیتی حضور در این موقف عظیم بهره‌ای نخواهند برد.

۵. جایگاه ذلت و خواری شیطان

حج گزار در سرزمین عرفات به اسباب و عوامل ریشه کن کردن موانع ارتباط با خدا (گناه و نافرمانی) پی می‌برد و درمی‌یابد که چگونه راه‌های حيله و اغواگری شیطان را بر خویش مسدود کند. از این رو، این سرزمین از مهم‌ترین جایگاه‌های ذلت و خواری شیطان بوده و روز عرفه، از مشقت‌بارترین روزها برای شیطان است.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تعبیری دقیق و مهم درباره‌ی رمز خواری شیطان در روز عرفه می‌فرماید:

«مَا رِيَّ الشَّيْطَانُ فِي يَوْمٍ هُوَ أَصْعَرُ وَلَا أَحْقَرُ وَلَا أَعْظَمُ مِنْهُ يَوْمَ عَرَفَةَ، وَمَا ذَلِكَ إِلَّا لِمَا يَرِي مِنْ نُزُولِ الرَّحْمَةِ وَتَجَاوُزِ اللَّهِ عَنِ الذُّنُوبِ الْعُظْمَاءِ؛ إِذْ يُقَالُ: مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَا يُكْفَرُهَا إِلَّا الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ» (بحرانی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۲۲۴).

«شیطان در روزی کوچک‌تر، فرومایه‌تر و خشمگین‌تر از روز عرفه دیده نشده است و این حقارت و زبونی و خشمگینی شیطان در روز عرفه، به دلیل این است که نظاره‌گر نزول رحمت و گذشت و بخشش خداوند از گناهان بزرگ حج گزاران است؛ زیرا برخی از گناهان هست که فقط وقوف در عرفات آنها را می‌پوشاند و سبب بخشایش آنها می‌شود.»

همچنین از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«آمزش در همان لحظه حرکت و لحظات آغازین روز عرفه بر اهل عرفات نازل می شود. آن گاه شیطان بر سر خویش خاک می ریزد و شیون و زاری می کند. پس دیگر شیاطین گِرداگرد او جمع می شوند و می گویند: تو را چه شده است؟! می گوید: «قَوْمٌ قَدْ قَتَلْتَهُمْ مُنْذُ سِتِّينَ وَ سَبْعِينَ سَنَةً غُفِرَ لَهُمْ فِي طَرْفَةِ عَيْنٍ؛ يَعْنِي مَنْ يَحْضُرُ مِنَ الْحَاجِّ بِعَرَفَةَ»؛ مردمی (حجاج حاضر در عرفات) را که در مدت شصت، هفتاد سال نابودشان کردم، در یک چشم به هم زدن آمرزیده شدند!» (فاکهی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۱۵).

آری، عرفات محل ذلت و خواری شیطان است؛ اما چون این سرزمین از بهترین مکان های توجه به خداوند و آمزش گناهان است، شیطان تلاش می کند که حج گزاران را از رحمت و آمزش الهی باز دارد. بنابراین، باید کنشگران با سعی و تلاش هر چه بیشتر، مواظب وسوسه و نیرنگ های شیطان در این جایگاه مقدس باشند. امام صادق علیه السلام درباره مکر و کیدهای شیطان در سرزمین عرفات می فرماید:

«تَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَنْ يُدْهِلَكَ فِي مَوْضِعٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُدْهِلَكَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۶۴).

«در عرفه از شیطان به خدا پناه ببر؛ زیرا هیچ مکانی برای شیطان دوست داشتنی تر از سرزمین عرفات نیست که تو را در آنجا غافل گیر کند و به لغزش اندازد.»

۶. تجلی زودگذر بودن دنیا و عمر انسان

بر حاجی واجب است که در عرفات وقوف کند، هر چند بسیار اندک و در حد چند دقیقه باشد؛ به عبارتی رساتر و بهتر، وقوف، درنگی کوتاه و زودگذر است. حاجی در عرفات از هنگام ظهر و از لحظه بلندترین ستیغ خورشید که نماد آگاهی و تجلی معرفت است (همان طور که ظلمت و تاریکی، تجلی جهل و گمراهی و بی معرفتی است) وقوف خود را آغاز می کند و پس از مدت زمانی اندک، باید همزمان با غروب خورشید، با او همسفر شود و کوچ کند؛ باید بدون هیچ آرام و قراری با عجله از موقفی به موقف دیگر، از عرفات به مشعر، و از مشعر به منارهسپار گردد. اینها به حاجی یادآوری می کند که اقامت انسان در دنیای فانی نیز بدین سان کوتاه و گذراست. آدمی هنوز آرام نگرفته است که بانگ الرحیل را می شنود. او باید برای کوچ به سرای باقی و عبور از مواقف آن مهیا شود. از این رو، هر چه بساط زندگی ساده تر

گسترانده شود، آدمی هنگام جمع کردن آن آسوده‌تر خواهد بود و به راحتی از آن دل می‌کند و از کنار آن می‌گذرد.

حاصل آنکه پیام وقوف زودگذر عرفات این است که ای انسان، دنیا و زندگی آن، دمی بیش نیست. در این زمان اندک، بار گناهت را سنگین نکن و آرزوهایت را دراز و طولانی مگردان و بدان که زمانی از این جهان رخت برخواهی بست. آن زمان، این همه تشکیلات و برپا کردن و جمع کردن خیمه‌ها آن هم در یک نیم‌روز، نماد آن است که حاجی دریابد تمامی زندگی دنیا محدود و مختصر است و عمر آدمی یک نیم‌روز بیش نیست. هرچه اصرار کنی که ﴿رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا﴾ (مؤمنون، ۱۰۰ - ۹۹)، «اگر اجلت فرا رسیده باشد، ساعتی از آن تأخیر نخواهد شد.» پس قبل از آنکه کوچ داده شوی، از خود به خدایت کوچ کن.

۷. تجلی عرصات قیامت

انسان‌های بسیاری با دل‌کندن از جلوه‌های دنیایی و مادی؛ اعم از زن و فرزند و خانه و کاشانه و...، از نقاط مختلف و دوردست جهان در سرزمین عرفات گِرد هم می‌آیند و با لباس‌های ساده‌احرام، در چادرهایی ساده و بدون هیچ‌گونه زرق و برق و تشریفات، سکونت می‌کنند. بی‌شک حضور در چنین صحرائی که عاری از هرگونه آبادی و امتیاز مادی است، موجب می‌شود که حج‌گزار شخصیت فطری و واقعی خویش را که همان آفرینش برای دستیابی به عبودیت و مقامات اخروی است، باز یابد و منظره قیامت و اجتماع خلایق را در آن هنگامه عظیم، یادآور شود.

صحنه عرفات، انعکاسی است از روزی که انسان‌ها با سر و پای برهنه و فارغ از هرگونه مادیتی، برای حساب‌رسی در صحرای قیامت برانگیخته می‌شوند و بر چیزی جز عمل خویش، اعتماد و اتکا ندارند.

حاجی آن‌گاه که گام به وادی عرفات می‌گذارد و ضجّه و ناله و زاری‌های بلند واقفان را به زبان‌های مختلف می‌شنود، عرصات قیامت و صحنه‌های هولناک آن را به یاد می‌آورد.

گروه‌های مختلف مردم که لباس احرام به تن کرده و از علایق و دلبستگی‌های دنیا دل‌کنده‌اند و از عاقبت و فرجام بد خود بیمناک‌اند و همگی هماهنگ و هم‌نوا تنها مغفرت

و رحمت خداوند متعال را طلب می کنند و تنها چشم امید به کرم او دوخته و از درگاه بی نیازش انتظار عفو و بخشش دارند، یادآور روز قیامت و ترس های بزرگ آن است.

آری، در این سرزمین، ازدحام خلایق و سر و صدا به زبان های مختلف و اجتماع پیروان مکاتب گوناگون آیین اسلام و فرقه های مختلف آن، انسان را به یاد روز قیامت و صحنه محشر و اجتماع امت ها با انبیا و ائمه و پیروی هر امتی از پیامبر خود می اندازد؛ آنجا که همه در عین تحیر و سرگردانی به شفاعت و حمایت پیامبر خویش امید دارند و منتظرند که ببینند آیا مورد شفاعت قرار می گیرند یا هیچ حمایتی از آنها نخواهد شد.

وقوف در عرفات

پس از اذان مغرب روز هشتم ذی حجه حرکت حاجیان به سمت صحرای عرفات آغاز می شود. برای وقوف در عرفات که خارج از حرم قرار دارد و از ظهر روز نهم ذی حجه، آغاز، و به غروب همان روز ختم می شود، باید ترجیحاً از کنار کعبه و در حرم احرام بست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۵۴). در عمره و عمره تمتع، حاجی خارج از حرم، مُحْرِم شده، به حرم وارد می شود؛ اما این بار، در حرم محرم می شود و به خارج حرم می رود و مناسک را از آنجا آغاز می کند. گویا قصد بازسازی و تکرار نمادین یک دوره تاریخ را دارد.

برای وقوف در عرفات، معانی ژرف و قابل تأملی می توان ذکر کرد. وقوف از سویی به معنای درنگ و ماندن و تأمل و اندیشیدن است؛ چرا که اگر انسان برای مدتی در مکانی بماند، بدون آنکه هیچ گونه عملی انجام دهد، بی اختیار به فکر فرو می رود. بنابراین، وقوف یعنی ماندن در یک محدوده جغرافیایی خاص در زمانی معین (نیم روز)، به تیت ارتباط گرفتن با خداوند متعال که با تفکر و اندیشیدن در نظام آفرینش همراه است.

از سوی دیگر وقوف با واقف شدن و آگاهی یافتن و معرفت و شناخت، ارتباطی ناگسستگی دارد؛ زیرا نتیجه اندیشیدن در نظام آفرینش، آگاهی به اموری است که انسان را به ارتباط با خالق هستی سوق می دهد. باید در سرزمین عرفات، به هدف آفرینش جهان هستی که توحید و ارتباط با خداست و راه های دستیابی به آن، معرفت یافت. باید در عرفات ماند تا با اندیشیدن در باورها و اصول بنیادین اسلام، به جایگاه و غایت آفرینش خویش واقف شد.

باید همان‌طور که از زمان آدم علیه السلام معرفت و شناخت گناه و اعتراف به آن، اصلی اساسی برای توبه و کسب غفران الهی و ارتباط با خدا بوده است، گناهان و منشأ آنها را به خوبی شناخت و با اعتراف به آنها توبه کرد. علاوه بر این، چون «وقوف» محدودیت زمانی و مکانی دارد، بی‌شک امام زمان علیه السلام نیز در سرزمین مقدس عرفات حضور دارند. از این رو، باید با معرفت و شناخت و واقف شدن هر چه بیشتر به ولایت آن بزرگوار، ارتباط خویش با خداوند متعال را مستحکم کرد.

حاصل آنکه وقوف یعنی درنگ و توقفی گذرا، همراه با تفکر و اندیشه در نظام آفرینش و کسب معرفت به خالق هستی، نه ماندن و سکون و سکونت؛ یعنی انسان در حرکت است و در میانه راه شبی یا روزی می‌ایستد و می‌گذرد. آدمی مسافر است و آهنگ رفتن به سوی خدا دارد: ﴿إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ (فاطر: ۱۸). در این سفر خدا منزلگاه نیست که در حال تغییر باشد؛ بلکه تنها جهت ثابت، و حرکت لایتناهی است: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ (قصص: ۸۸). بنابراین، وقوف در عرفات به حاجی کمک می‌کند که با کسب معرفت و شناخت شایستگی ورود به حریم الهی را بیابد. او باید با آگاه شدن به گناهان و اقرار و اعتراف به آنها توبه کند تا طاهر و پاک شود و به خانه پاک و طاهر الهی دست یابد.

فلسفه وقوف در عرفات

وقوف در عرفات که پس از احرام، آغازین مرحله مناسک حج است، فلسفه و راز و رمزهایی دارد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود:

وقوف در عرفات نمادی از شایستگی یافتن بندگان برای ورود به حریم الهی است. این سرزمین از محدوده حرم خارج است. حج گزار باید آن قدر راز و نیاز و تضرع کند و خود را پالایش و تطهیر نماید، تا لایق ورود به حریم الهی گردد. بنابراین، قبل از طواف، باید از حرم بیرون رفت (عرفات) و همچون میهمانی که بر بزرگی وارد می‌شود، برای ورود به محضر الهی اجازه گرفت. از این رو، حاجی در گنشی ارتباطی به سرزمین عرفات می‌رود و با فرستادن پیام تضرع و زاری به درگاه الهی، به شست و شوی دل می‌پردازد و زنگار گناه از دل می‌زداید تا با قلبی آماده و نورانی وارد حریم پاک الهی گردد. امیر مؤمنان، علی علیه السلام

در تعلیلی نشانه‌شناختی از راز وقوف حج گزاران در خارج از محدوده حرم (عرفات) پرده برداشته و فرموده است:

«لِأَنَّ الْكَعْبَةَ بَيْتَهُ وَالْحَرَمَ بَابُهُ فَلَمَّا قَصَدُوهُ وَافِدِينَ وَقَفَهُمْ بِالْبَابِ يَتَضَرَّعُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۴).

«زیرا کعبه به منزله خانه خدا و حرم در آن است. پس چون میهمانان خدا قصد ورود به خانه او را نمایند، آنان را بر آستانه در ننگه می‌دارد تا راز و نیاز و تضرع و ناله کنند.»
آری، اگر کسی بخواهد در خانه‌ای که انبیا علیهم‌السلام به طهارت آن قیام کرده‌اند پذیرفته شود، باید خویشان را پالایش و تطهیر کند؛ چرا که خانه طهارت یافته تنها میهمانان طاهر و پاک را می‌پذیرد. علاوه بر این، ارتباط با خدا و ورود به حریم قدس الهی از چنان اهمیتی برخوردار است که برای برقراری این ارتباط، حج گزار نه تنها باید خود را پالایش و تطهیر کند، بلکه باید در زمانی خاص و هم‌سو و هم‌جهت با اولیای الهی به این امر بپردازد. امام حسن مجتبی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«شخصی یهودی از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: چرا خداوند مردم را در عصر روز عرفه به وقوف در عرفات فرمان داده است؟ حضرت فرمودند: «إِنَّ الْعَصْرَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي عَصَى فِيهَا آدَمُ رَبَّهُ وَفَرَضَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - عَلَى أُمَّتِي الْوُقُوفَ وَالتَّضَرُّعَ وَالدُّعَاءَ فِي أَحَبِّ الْمَوَاضِعِ إِلَيْهِ وَتَكَفَّلَ لَهُمْ بِالْجَنَّةِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَنْصَرِفُ فِيهَا النَّاسُ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي تَلْقَى فِيهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ»؛ «عصر، همان ساعتی است که آدم علیه‌السلام در آن، پروردگارش را عصبان کرد و خداوند بر امت من وقوف و گریه و نیایش را در بهترین مکان‌ها (عرفات) واجب گردانید و بهشت را برای آنان تضمین کرد. آن ساعتی که مردم از عرفات کوچ می‌کنند، همان وقتی است که آدم علیه‌السلام کلماتی را از خداوند دریافت کرد و توبه نمود.» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹۴).

زمان حضور و توقف حج گزار در عرفات، با زمان نافرمانی آدم علیه‌السلام، و زمان خروج از عرفات، با زمان قبول توبه آدم علیه‌السلام هماهنگ است. توقف حج گزار در عرفات یادآور لغزش نخستین آدم علیه‌السلام و نیز توبه اوست که با معرفت و اعتراف به علت ارتکاب گناه حاصل شد. بنابراین، عصر عرفات نمادی از عصبان و توبه آدم علیه‌السلام است. از این رو، گنهکاران نیز باید در همین زمان و مکان - که از بهترین زمان‌ها و مکان‌های روی زمین است - با ضجّه و ناله از

میقات حج

خداوند غفران و بخشش بخواهند تا به حریم قدس الهی راه یابند. حاجی باید بداند که نافرمانی و پیمان شکنی، او را از حریم ربوبی خارج می کند و از اصلاح و تربیت باز می دارد و در معرض عقوبت الهی قرار می دهد. بنابراین، باید اندیشه و اعتقاد نادرست خود را تصحیح کند و باندامت و پشیمانی و اعتراف به گذشته خویش، اجازه ورود دوباره به حریم الهی را کسب کند. وقوف در عرفات برای این است که حج گزار به معارف و علوم الهی واقف شود و به اسرار آفرینش نظام هستی پی ببرد و دریابد که خداوند متعال بر تمامی امور او واقف و تدبیر کننده آنهاست. از این رو، امام سجاده علیه السلام در رمزگشایی از فلسفه وقوف در عرفات خطاب به شبلی می فرمایند:

«هَلْ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِكَ بِعَرَفَةَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَمَرَ الْمَعَارِفِ وَالْعُلُومِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۱۶۹).

«آیا با وقوف در عرفات آگاهی خداوند را بر شناختها و دانشها دریافتی؟» بنابراین، حاجی باید جز در برابر خداوند که بر همه چیز واقف است، در برابر احدی سر تعظیم فرو نیاورد و فقط او را اطاعت و پرستش کند تا از غیر او بی نیاز گردد؛ «وَطَاعْتَهُ غَنَى» (مفاتیح الجنان، دعای کمیل). بر این اساس سرزمین مقدس عرفات و زمان نورانی عرفه آن چنان بنده را مقرب می کند و به قله های رفیع انسانیت عروج می دهد؛ به گونه ای که درخواست از غیر خدا را نامطلوب می شمارد. از این رو، امام سجاده علیه السلام به سائلی که در روز عرفه گدایی می کرد، فرمودند:

«وَيَحْكُ أَعْيَرَ اللَّهُ تَسْأَلُ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِنَّهُ لَيُرْجَى لِمَا فِي بُطُونِ الْحَبَالِي فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ يَكُونَ سَعِيداً» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۱).

«وای بر تو! آیا در چنین روزی دست نیاز به سوی غیر خدا دراز می کنی؟! در حالی که در این روز برای کودکان در رحم مادر امید سعادت و خوشبختی می رود.» وقوف در عرفات برای آن است که حاجی بداند خداوند متعال به ظاهر و باطن و صحیفه قلب او و راز و رمزهای آن و حتی آنچه به طور ناخود آگاه در خاطر او می گذرد آگاه است. از این رو امام سجاده علیه السلام خطاب به شبلی می فرمایند:

«عَرَفْتَ قَبْضَ اللَّهِ عَلَى صَحِيفَتِكَ وَاطَّلَاعَهُ عَلَى سِرِّرَتِكَ وَ قَلْبِكَ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۱۶۹).

«آیا [با وقوف در عرفه] دانستی که خداوند صحیفه اعمال تو را می‌گیرد و از درون و زوایای قلب تو آگاه است؟»

در واقع عرفات تجلیگاه کریمه **﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى﴾** (طه: ۷) است. بنابراین، اگر حج گزار بداند که قلبش در منظر و مرآی حق تعالی قرار دارد، همان‌طور که تن به گناهان جوارحی نمی‌آلاید، خود را به گناه جوانحی نیز آلوده نمی‌کند و قلب خویش را از خطورات آلوده پاک و منزّه می‌دارد.

همچنین حاجی باید در عرفات به این نکته واقف شود که فرشتگان، حتی فرشتگان مأمور ضبط اعمال و خطورات که به لطف و پرده‌پوشی خداوند اجازه دیدن بسیاری از اسرار انسان‌ها را ندارند، در این روز به اذن خداوند نظاره‌گر نهران دل‌های حج‌گزاران می‌باشند. امام سجاده **علیه السلام** در تعبیری مهم و نشانه‌شناختی می‌فرمایند:

«در عصر روز عرفه و ظهر روز دهم، خداوند به وسیله حاجیان بر ملائک مقربش مباحات و فخرفروشی می‌کند و خطاب به آنان می‌فرماید:

فرشتگان من! بندگانم را ببینید؛ همان‌هایی که از راه دور و نزدیک و با مشکلات زیاد به سوی من آمده‌اند بسیاری از لذت‌ها را بر خود حرام کرده و بر شن‌های بیابان‌های عرفات و منا خوابیده‌اند و این چنین با چهره‌های غبارآلود در پیشگاه من اظهار عجز و ذلت می‌کنند. اکنون به شما اجازه می‌دهم که اسرار آنان را ببینید.

آنگاه فرشتگان به اذن خداوند در ملکوت خود، باطن انسان‌ها را می‌نگرند؛ قلب برخی از آنها سیاه است و دوده‌های سیاه از آن برمی‌خیزد. اینان کسانی هستند که بین قرآن و عترت جدایی انداخته‌اند. برخی دیگر دل‌هایشان بسیار نورانی و روشن است. اینان پیامبر **صلی الله علیه و آله** را امین وحی دانسته و اهل ولایت‌اند (حسن بن علی عسکری **علیه السلام**، ۱۴۰۹ق، صص ۶۱۱-۶۰۹؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، صص ۲۶۱-۲۵۹).

از این روایت به خوبی دانسته می‌شود که ولایت، سرّ همه اعمال است. مؤمنان راستین که هم به سرّ ولایت می‌رسند و هم به اسرار حج، به صورت انسان واقعی در سرزمین عرفات و منا ظهور می‌کنند و خداوند متعال در مقام فعل، به آنان فخر می‌کند. چنین انسان‌هایی فرشته‌منش، و حتی برخی از آنها از فرشتگان هم بالاترند.

وقوف در عرفات و صعود بر جبل الرَّحْمَه نشان دهنده این است که خداوند نسبت به زن و مرد مؤمن و مسلمان، رحمت و ولایت مخصوص دارد. از این رو، امام سجاده علیه السلام در پرده برداری نمادین از فلسفه صعود بر جبل الرَّحْمَه خطاب به شبلی می فرمایند:

«تَوَيْتَ بِطُلُوعِكَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَيَتَوَلَّى كُلَّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، صص ۱۷۰ - ۱۶۹).

«آیا آن گاه که بالای جبل الرَّحْمَه رسیدی نیت آن را داشتی که خداوند بر هر مرد و زن با ایمانی رحمت آورد و هر مرد و زن مسلمانی را سرپرستی می کند؟»

بنابراین جبل الرَّحْمَه سمبل رحمت خاص الهی برای واقفان در عرفات است؛ یعنی علاوه بر رحمت واسعة الهی که همه مشمول آن اند، رحمت خاص حق نیز آنان را زیر پوشش گرفته است. از این رو، شایسته است که حج گزاران در کنشی معنادار با کوه رحمت ارتباط گیرند و با صعود بر آن به رحمت خاص و عام حق تعالی معرفت یابند.

آنچه درباره صعود بر جبل الرَّحْمَه بیان شد، ناظر به حدیث شبلی است؛ و گرنه بنا بر نظر مشهور فقها، در روز عرفه وقوف در پایین کوه و در زمین هموار افضل، و بالا رفتن از کوه مکروه است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۵۹). اسحاق بن عمار درباره وقوف در عرفات می گوید:

«سَأَلْتُ أَبَا إِسْرَاهِيمَ علیه السلام عَنِ الْوُقُوفِ بِعَرَفَاتٍ فَوْقَ الْجَبَلِ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ عَلَى الْأَرْضِ؟ فَقَالَ عَلَى الْأَرْضِ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۸۰).

«از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: «آیا وقوف بر جبل الرَّحْمَه در نظر شما محبوب تر است یا وقوف بر زمین های پایین کوه؟ حضرت فرمودند: وقوف بر زمین های پایین کوه افضل است.»

همچنین امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«عَرَفَاتٌ كُلُّهَا مَوْقِفٌ، وَأَفْضَلُ الْمَوْقِفِ سَفْحُ الْجَبَلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۶۳).

«همه سرزمین عرفات محل وقوف است؛ لیکن بهترین مکان برای وقوف، پایین کوه است.»

محمد صادقی تهرانی درباره رمز کراهت صعود بر جبل الرَّحْمَه می نویسد:

«و این جبل الرَّحْمَه، که منبر آخرین پیامبر رسالت بود، ما را به یاد چکیده و قلّه عرفات رسالت اسلامی می اندازد. با این حال روز عرفه مکروه است بالای آن روی یا وقوف کنی که تو هر که باشی، پامبری این رسالت هستی و نه منبری و نیز در آن روز

درنگ در دامنه جبل الرّحمة بر جاهای دیگر عرفات برتری هم ندارد، که صاحب منبر نیز در آنجا خودش را نفی، و تنها خدایش را اثبات کرد؛ چنان که در خبر است پیامبر نازنین در رهگذر کوه عرفات وقوف فرمود. مردم از اطراف به سویش، به پای شترش شتافتند تا در پیرامونش وقوف کنند. آنها را پراکند. باز هم برگشتند. فرمود: مردم، عرفات جای پای شتر من نیست. این پهنه صحرا همه‌اش عرفات است؛ موقوف است. بروید و بی تفاوت در این پهنه صحرا وقوف کنید.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۷).

و تو نیز در این صحرای شناخت‌ها، دور این و آن مگرد؛ دور شاه و آیت‌الله وقوف مکن؛ دور ثروتمند و سیاستمدار مباش. خود را زیر سایه احدی مَنه که زیر سایه خدایی، از احدی درخواستی مکن که رسوایی، از خدای بخواه. اگر هم با کسی کاری داری، تنها برای حفظ جان، مال و ناموست، یاد گرفتن احکامات یا یاد دادنش باشد؛ بی آنکه در سایه‌اش بنشینی، وقوف کنی، که «عرفات» فراموشگاه جز خدا، و یادگاه و یادگاه خداست ... این گونه است عرفات، اگر به سخن پیامبرش گوش فرا داری و زیر منبرش نشینی و آن‌گاه در پهنه عرفات پخش شوی و پخش کنی ... و عرفاتی پُر از عرفات یابی، نه پُر از خالی، که گمان کنی درنگ در این صحرای خالی، کاری است پوک و تو خالی. نه، بلکه بایستی لبریز از عرفات شوی و سپس رو به مشعر روی.» (صادقی تهرانی، ۱۳۸۲ش، صص ۳۲۳ - ۳۲۱).

همچنین در مورد فلسفه کراهت صعود بر جبل الرّحمة می‌توان گفت: علاوه بر از دست دادن فرصت مناسب برای عبادت و دعا، زمینه پرورش روح کبر و غرور، منیت و خودخواهی و بلندپروازی و طغیانگری را در انسان فراهم می‌سازد. در بخشی از سرزمین عرفات که با حرم مماس است، کوهی به نام «نَمْرَه» قرار دارد. مسجدی نیز به همین نام در این منطقه ساخته شده که بخشی از آن در محدوده عرفات است. واژه «نَمْر» در زبان عربی به معنای صعود و بالا رفتن است (صاحب بن عبّاد، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۳۶). صعود بر کوه نمره و وقوف بر آن، که تداعی‌کننده نوعی برتری و علوّ است، نماد آن است که حاجی در ارتباط با دیگر کنشگران به چیزی امر نکند، مگر آنکه قبلاً خود بدان عامل بوده باشد و از چیزی بر حذر ندارد، مگر اینکه خود قبلاً از آن پرهیز کرده باشد. همچنین وقوف در کنار «عَلَم و نَمِرَات» نماد آن است که «نَمِرَات» شاهد طاعات و عبادات حج گزاران است و به همراه فرشتگان نگهبان

الهی از آنان محافظت می‌کند. از این رو، امام سجاده علیه السلام در رمزگشایی از فلسفه صعود بر کوه نمره و وقوف در کنار «نمرات» خطاب به شبلی می‌فرماید:

«نَوَيْتَ عِنْدَ نَمْرَةٍ أَنْكَ لَا تَأْمُرُ حَتَّى تَأْمُرَ وَلَا تَرْجُرُ حَتَّى تَنْزَجِرَ ... عِنْدَ مَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعِلْمِ وَالنَّمِرَاتِ نَوَيْتَ أَنَّهَا شَاهِدَةٌ لَكَ عَلَى الطَّاعَاتِ حَافِظَةٌ لَكَ مَعَ الْحَفِظَةِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۱۷۰).

«آیا در وادی نمره نیت آن را داشتی که تا خود فرمان نبری، فرمان ندهی، و تا خود نهی‌پذیر نباشی، نهی نکنی؟ ... آیا آن‌گاه که نزد «عَلَم و نَمِرَات» وقوف کردی، نیت آن را داشتی که آنها بر طاعات و عبادات تو گواه‌اند و همراه فرشتگان نگهبان به امر خداوند از تو محافظت می‌کنند؟»

پاداش وقوف در عرفات

وقوف در عرفات از بارزترین و زیباترین جلوه‌های ارتباط با خداست که در روایات برای آن پاداش‌های فراوانی ذکر شده است. در ادامه، به روایاتی که این پاداش را بیان کرده‌اند، اشاره می‌شود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«سوگند به پروردگاری که به حق مرا بشیر و نذیر مبعوث کرد، خداوند در آسمان دنیا دری دارد که به آن، در رحمت، توبه، حاجات، تفضل، احسان، بخشش، گرم و عفو گفته می‌شود، و هیچ کس در عرفات اجتماع نمی‌کند، مگر اینکه شایسته این صفات از سوی خداوند متعال می‌گردد، و خداوند در آنجا صد هزار فرشته دارد که هر یک از آنان ۱۲۰ هزار فرشته در خدمت دارند، و نیز خداوند برای اهل عرفات رحمت ویژه‌ای اختصاص داده است که بر آنان نازل می‌کند و هنگامی که می‌خواهند از صحرای عرفات خارج شوند، خداوند ملائکه‌اش را گواه می‌گیرد که همه آنان را از آتش جهنم نجات دادم و بهشت را بر آنان واجب گردانیدم. در این هنگام فرشته‌ای [از طرف خداوند] بانگ می‌زند: از عرفه بروید در حالی که بخشوده شدید و شما مرا راضی کردید و من نیز از شما راضی شدم.» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹۴).

همچنین آن حضرت در تعبیری نشانه‌شناختی می‌فرماید:

«مَنْ وَافَى بِعَرَفَةَ فَسَلِمَ مِنْ ثَلَاثٍ أُذُنُهُ لَا تَسْمَعُ إِلَّا إِلَىٰ حَقٍّ وَ عَيْنَاهُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَّا إِلَىٰ حَلَالٍ وَ لِسَانُهُ أَنْ يَنْطِقَ إِلَّا بِحَقٍّ غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَ إِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۴۴).

«کسی که در عرفات حضور یابد، از سه چیز در امان است: گوشش فقط حق را می‌شنود؛ چشمش فقط حلال را می‌نگرد؛ زبانش فقط به حق گویا می‌شود و تمامی گناهانش بخشوده می‌شود؛ حتی اگر به اندازه کف‌های دریا باشد.»

امام سجاده علیه السلام در پاسخ مردی که به آن حضرت گفت: جهاد را که با خشونت و سختی همراه است، ترک کرده‌ای و به حج که نرم و آسان است پرداخته‌ای، فرمودند:

«وای بر تو! آیا سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حَجَّةِ الْوَدَاعِ به تو نرسیده است؟ آن‌گاه که پیامبر در عرفات وقوف کرد و غروب آفتاب نزدیک شد، فرمود: «ای بلال، به مردم بگو ساکت شوند.» بعد از آنکه مردم سکوت کردند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: قطعاً پروردگار شما امروز (روز عرفه) بر شما منت گذاشت، پس نیکان شما را مشمول مغفرت گردانید و به آنان حق شفاعت درباره بدانتان عنایت فرمود، و به شفاعت نیکانتان از تقصیر بدان گذشت. اکنون حرکت کنید، در حالی که همگی مشمول عفو و رحمت حضرت حق شده‌اید، مگر اهل تبعات (مراد متجاوزان به حقوق مردم است)؛ زیرا خدا عادل است و حق ضعیف را از قوی خواهد گرفت.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، صص ۲۵۸ - ۲۵۷).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَا مِنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ كُورَةٍ وَقَفَ بِعَرَفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لِأَهْلِ تِلْكَ الْكُورَةِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ وَقَفَ بِعَرَفَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لِأَهْلِ ذَلِكَ الْبَيْتِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۱).

«هیچ مرد با ایمانی از اهل یک قریه و آبادی در عرفات وقوف نمی‌کند، مگر آنکه خداوند مؤمنان اهل آن آبادی را می‌آمرزد، و هیچ مرد مؤمنی از خانواده با ایمانی در عرفات وقوف نمی‌کند، مگر آنکه خداوند، مؤمنان آن خاندان را می‌آمرزد.»

نتیجه‌گیری

از آنچه نگاشته شد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که عرفات یکی از پر راز و رمزترین نمادهای حج است که بر جنبه‌های نمادین گوناگونی مبتنی است و حج‌گزاران برای ادای مناسک و اعمالی نمادین با آن در ارتباط‌اند. همچنین می‌توان دریافت که پیوند و ارتباط حج‌گزاران با عرفات در قالب ابعاد ارتباط انسانی به خوبی قابل لمس است؛ برای مثال، در باب ارتباط انسان با خویشتن، حاجی باید با وقوف در عرفات بر نفس خود واقف شود و خویشتن را بشناسد و بداند که به این سرزمین فراخوانده شده تا پرونده خود را بازخوانی کند و با تفکر در آن، جان خویش را به خلعت و حدانیت مزین نماید و با حضرت حق پیمان بندد که مظهر اوصاف الهی شود و رنگ و صبغه الهی به خود گیرد. از این رو باید قبل از آنکه در سرزمین منا شیطان بیرون را رمی کند، شیطان درون را با سلاح گریه و اشک رام نماید.

در باب ارتباط انسان با خدا، چون عرفات از محدوده حرم خارج است، حج‌گزار برای راه یافتن به حرم که در ورودی کعبه است، باید بر آستانه در، با دعا و راز و نیاز به درگاه الهی، خود را از گناهان پاک کند و شایسته ورود به حریم الهی گردد. علاوه بر این، معرفت به خداوند از مهم‌ترین معرفت‌ها در سرزمین عرفات است که حاجی با دعا و مناجات به آن دست می‌یابد و احساس قرب و نزدیکی به خدا می‌کند.

در باب ارتباط انسان با دیگران، مسلمانان دور افتاده از یکدیگر می‌توانند در عرفات، به تعارف و شناخت یکدیگر توفیق یابند و با تعارف، به انس و همبستگی با یکدیگر نائل آیند. آنان می‌توانند از حال یکدیگر با خبر شوند و از تشمت و پراکندگی به همبستگی و پیوستگی دینی و انسانی برسند و غربت خود را به قربت و قرابت مبدل سازند. همچنین حج‌گزار در عرفات با اولیای الهی همسو می‌شود و استجاب دعا در عرفات با وجود اولیای الهی در این سرزمین، ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ چرا که آنجا قدمگاه پیامبران الهی و معصومان علیهم‌السلام، از جمله امام زمان علیه‌السلام است که به یمن حضور آنان در آن وادی مقدس، دعای حج‌گزاران مستجاب می‌گردد.

نهایتاً در باب ارتباط انسان با طبیعت، چون حج گزار برای انجام دادن اعمال و مناسکی نمادین با سرزمین عرفات که جزئی از طبیعت است در ارتباط می‌باشد، با تفکر درباره آفرینش جهان هستی، به فلسفه و منشأ پیدایش آن پی می‌برد که در نتیجه، به ترمیم ارتباط او با خداوند متعال می‌انجامد.

منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
- * مفاتیح الجنان
- ۱. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
- ۲. صاحب بن عباد، ابوالقاسم اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، عالم الکتاب، بیروت.
- ۳. احسائی، محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة، دار سید الشهداء للنشر، قم.
- ۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، عدّة الدّاعی و نجاح الساعی، تحقیق احمد موحدی قمی، دار الکتب الإسلامی، بی‌جا.
- ۵. امام ابو محمد حسن بن علی عسکری علیه السلام (۱۴۰۹ق)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم.
- ۶. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم (۱۳۷۸ش)، شرح نهج البلاغه، مؤسسه نصر، تهران.
- ۷. مولوی، مولانا جلال الدین محمد (۱۳۳۵ش)، دیوان شمس تبریزی، انتشارات کتابفروشی ادبیه، بی‌جا.
- ۸. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، تحقیق اصف فیضی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم.
- ۹. جعفریان، رسول (بی‌تا)، آثار اسلامی مکه و مدینه، نشر شعر، تهران، بی‌تا.
- ۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت.

۱۱. حسینی واسطی زبیدی حنفی، محبّ الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.
۱۲. حموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، (۱۹۹۵م). دارصادر، بیروت، چاپ دوم.
۱۳. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، تحقیق حسین بن عبدالله العمری، مطهر بن علی الاریانی، یوسف محمد عبدالله، دار الفکر المعاصر، بیروت.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دار القلم - لدار الشامیه، دمشق.
۱۵. راوندی، سعید بن هبة الله قطب الدین (۱۴۰۷ق)، الدعوات / سلوة الحزین، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)، قم.
۱۶. ابن منظور، رویعی انصاری خزرجی، جمال الدین ابوالفضل محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، چاپ سوم.
۱۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان (۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م)، الدرّ المنثور فی التفسیر المأثور، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۲ش)، فقه سیاسی اسلام، اسرار، مناسک، ادله حج، انتشارات راه دانش، تهران.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ پنجم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم.
۲۱. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم.
۲۲. شیخ طوسی، محمّد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خراسان، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم.

۲۳. عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم.
۲۴. فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۴۲۴ق)، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، تحقیق عبدالملک بن عبدالله دهیش، مکتبة الأسدی، مکه مکرمه.
۲۵. قاسانی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۷۲ش/۱۴۱۳ق)، شرح منازل السائرین، انتشارات بیدار، قم.
۲۶. قائدان، اصغر (۱۳۸۶ش)، تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، نشر مشعر، تهران، چاپ نهم.
۲۷. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، دار المرتضویه، نجف اشرف.
۲۸. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۶ش)، الأمالی، انتشارات کتابچی، تهران.
۲۹. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۸۵ش/۱۹۶۶م)، علل الشرائع، کتابفروشی داوری، قم.
۳۰. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ دوم.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۳۲. علامه مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تحقیق جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.
۳۳. محمد بن محمد بن اشعث (بی تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، مکتبة النینوی الحدیثه، تهران.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب لترجمة و النشر، تهران.
۳۵. منسوب به جعفر بن محمد عليه السلام (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، اعلمی، بیروت.

۳۶. منسوب به علی بن موسیٰ علیه السلام (۱۴۰۶ق)، الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، تحقیق مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، مشهد.
۳۷. موسوی بغدادی، محمد بن حسین بن موسیٰ (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغة، تحقیق صبحی صالح، هجرت، قم.
۳۸. مبدی، رشیدالدین احمد بن ابی‌سعد (۱۳۷۱ش)، تفسیر مبدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم.
۳۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، قم.

